



## سفر رئیس جمهور به سوریه چه دستاوردهایی را دنبال می کند؟

# تثبیت عمق استراتژیک

میان ایران و سوریه تأثیرات مهمی بر روندها و تحولات منطقه خواهد گذاشت .

این سفر، تأکید می کند که دو کشور تا هر زمان که نیاز باشد با همکاری یکدیگر، مقابله با توطئه‌های امریکا، رژیم صهیونیستی و غرب علیه منطقه و کشورهای همجوار و مبارزه با تروریسم را ادامه خواهند داد. بعد از فائق آمدن جبهه مقاومت در جنگ همه‌جانبه در سوریه، این سفر را می توان نمادی از پیروزی نه تنها ایران و سوریه، بلکه محور مقاومت دانست. بدین سبب، ایجاد این سفر تنها به مناسبات دوطرفه مربوط نمی‌شود و بر طیف گسترده‌ای از تحولات منطقه‌ای سایه خواهد انداخت .

این سفر، حاوی پیام‌های سیاسی استراتژیک به جهان و دشمنان منطقه ای بویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی است. فارغ از تعمیق روابط و همکاری‌های استراتژیک دو جانبه، در حال حاضر معادلات منطقه‌ای نشان می‌دهد، فصل

جدیدی از تحولات در حال شکل‌گیری است که اراده سیاسی در جبهه مقاومت، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن بوده و خواهد بود. شکست ائتلاف غرب و متحدان منطقه‌ای آن و رژیم صهیونیستی در جنگ نیابتی تروریستی علیه سوریه، آنها را به این باور رسانده که توانایی تضعیف محور مقاومت را از هر مسیر ممکن و به‌رغم داشتن ابزارهای متنوع ندارند. بنابراین، این سفر که تجلی استحکام و قدرت درونی محور مقاومت است بیشتر از گذشته، تابلوی شکست را در اذهان ملت‌ها و قدرت‌های جهان نمایان ساخته است.

#### تقویت جایگاه سوریه

از جمله مؤلفه‌های مهم موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه، می توان نزدیکی به سرزمین فلسطین اشغالی و خط اتصال محور مقاومت و ارتباط آن با سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را ذکر کرد. در زمان جنگ سوریه،



این سفر تنها برای تهران و دمشق مفید نخواهد بود، بلکه کل منطقه نیز از آن بهره خواهد برد؛ زیرا اصل محور مقاومت، در محور مقابله با تسلط و یكجانبه‌گرایی غرب و رژیم صهیونیستی و خنثی سازی هر گونه تحرک امنیت‌زدا و بی‌ثبات‌کننده است. از این رو، راهبرد بلندمدت و تأمین‌کننده اهداف و منافع مقاومت در سوریه، حضور پایدار ایران در این کشور به منظور قوی شدن اتصال بین جبهه‌های مختلف مقاومت است

منطقه شد. از این رو، اکنون محور مقاومت بازگیری فعال و تأثیرگذار شده‌که کشورهای منطقه، آن را از متغیرهای اصلی تحولات محسوب می‌کنند؛ به طوری که بدون در نظر گرفتن آن نمی‌توانند طرح کلان منطقه‌ای داشته باشند. بر همین اساس، اکنون کشور سوریه به عنوان یکی از ارکان اصلی جبهه مقاومت، در جایگاهی قرار گرفته که کشورهای معارضش که تا سال‌های پیش توطئه بی‌ثبات‌سازی را در سر می‌پروراندند، اکنون برایش فرش قرمز پهن می‌کنند. سفرهای فشرده دوجانبه مقامات سوروی با کشورهای منطقه و تأکید بر توسعه مناسبات، روند بازگشت سوریه به اتحادیه عرب ... و همگی حکایت از نقش مهم و تأثیرگذار این کشور و همچنین مهار ابزارها و پذیرش تلویحی شکست از سوی معارضانش دارد.

#### فقر دستاورد برای غرب و تقویت عمق استراتژیک ایران

چرخش منطقه، بویژه کشورهای حوزه خلیج فارس از آمریکا و غرب به سمت شرق، در پس جنگ اوکراین شدت بیشتری به خود گرفته است. رویکرد جدید، دولت‌ها را برآن داشته تا مسیر توسعه اقتصادی را تسهیل و خود را از عوامل منفی دور کنند. یکی از مؤلفه‌های مهم در رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و امنیت منطقه‌ای است. به همین دلیل، منطقه پس از سال‌ها جنگ‌های فرسایشی و تحمل خسارات ناشی از نقشه‌های امنیت‌زدا ی غربی، به این باور رسیده که در سایه تعاملات سازنده و ثبات‌ها می‌تواند اقتصاد خود را بهبود دهد. فقر دستاورد در جنگ علیه سوریه و دیگر جبهه‌های مقاومت چون یمن، آنها را به بن‌بست استراتژیک رسانده است. از این رو، در کنار کمزنگ شدن حضور و نقش امریکا در منطقه، مسیر همگرایی به نقطه آرامش در دستور کار کشورهای عربی قرار گرفته و بازسازی مناسبات با سوریه و بازیابی روابط عربستان و ایران نیز در این چهارچوب قابل تعریف است.

از سوریه در راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عمق استراتژیک یاد می‌شود؛ این کشور، باعث اتصال ما به دریا و مدیترانه شده است. همچنین موجب شده که سیستم دفاعی ما به عمق آقیانوسیه و مرزهای زمینی سوریه‌ای تبدیل کند. اسرائیل

و غرب از هر ابزاری برای کاستن از نفوذ ایران در سوریه بهره‌برداری می‌کنند. علاوه بر حملات رژیم صهیونیستی، تلاش‌های سیاسی، فشردگی حملات و افزایش توان سال‌ها است که توسط آنها دنبال می‌شود. این سفر نماد تثبیت اقتدار و قرار گرفتن ایران در عنوان جمهوری اسلامی و تثبیت عمق استراتژیک ایران خواهد بود.

**ناکامی تلاش‌های صهیونیستی برای مسدودسازی محور مقاومت**
کریدور یا راه مواصلاتی مقاومت، مسیری است که ایران را به عراق، سوریه و لبنان و سپس به دریای مدیترانه متصل می‌سازد. این مسیر همواره مورد هراس رژیم صهیونیستی و امریکا بوده است؛ زیرا یکی از عوامل پیشبرد اهداف جبهه مقاومت در سایه ارتباط مؤثر و هم‌افزایی بین آنها به حساب می‌آید. در نتیجه بهره‌مندی از این راه، محور مقاومت قدرتمند شده و می‌تواند بدون هیچ اختلالی به مرادوات فی مابین ادامه دهد. علاوه بر آن، حوزه ترانزیت این کریدور با عواید اقتصادی می‌تواند هم موجب رشد اقتصادی کشورها را دور زده و با اتصال به کریدورهای حیاتی دیگر، به شبکه‌ای از دور زدن تحریم‌ها منجر شود. امریکا با استفاده از ابزار تحریم علیه مقاومت، بویژه پس از ناکامی در اجماع جهانی در جنگ علیه سوریه، به رویکرد تشدید تحریم مانند «قانون سزاره» و جنگ اقتصادی علیه آن روی آورده است. یکی از دلایل حملات هوایی رژیم صهیونیستی به خاک سوریه نیز به جارش کشیدن این محور حیاتی در سوریه برای مسدودسازی ارتباط ایران با محور مقاومت است.

زمانی مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق امریکا گفته بود: «حکومت ایران همچنان به دنبال کریدوری است که از مرزهای ایران تا سواحل مدیترانه کشیده شده باشد. تهران این کریدور را برای انتقال نیرو و یک سیستم پیشرفته تسلیحاتی به مرزهای اسرائیل می‌خواهد.»

فلسطین شده است و در انتخابات شرکت می کند.

از سوی دیگری به تدریج گروه‌ها و جریان‌های دیگری هم به این محور اضافه شدند که از جمله آنها می توان به حشدالشعبی عراق و انصارالله یمن اشاره کرد.

**آتش‌بس عربستان با انصارالله یک سال قبل از توافق با ایران**
جنبش انصارالله سابقه تاریخی زیادی دارد، اما برجستگی آن با فعالیت‌های حسین بدرالدین الحوثی بود که در جنگ با دولت وقت یمن (در میانه سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰) به شهادت رسید. این جنبش تا قبل از بهار عربی گسترش پیدا کرد و بعد از آن وارد فرایند دولت‌سازی شد. هر چند جنگ هشت ساله عربستان علیه یمن این فرایند را وارد چالش کرد، اما سرانجام عربستان از سال ۲۰۲۲ وارد مذاکره با انصارالله شد و آتش‌بس منعقد گشت. این آتش‌بس هم یک سال قبل از توافق ایران و عربستان صورت گرفته بود و ارتباطی با توافق ایران همواره بر استقلال گروه‌های محور مقاومت تأکید داشته و در بحران یمن مذاکرات سعدوی و انصارالله استقبال کرده و دولت نجات ملی هم توافق ایران و عربستان را مورد تأکید قرار داده و از آن استقبال کرده است. اکنون با اعلام آتش‌بس و آغاز مذاکرات، در صورت ادامه روند و عدم اختلال متغیرهای خارجی بخصوص ایالات‌متحده، انصارالله می‌تواند به روند دولت‌سازی خود ادامه داده و به عنوان ضلع دیگری از محور مقاومت به ایفای نقش بپردازد.

ایران در سوریه به طور ویژه دو کلان پروژه را در دنبال می کند؛

**۱-خط اتصالی محور مقاومت به دریای مدیترانه**
**۲-حفظ موازنه قدرت با اسرائیل.**
در نتیجه سوریه با وجود گسترش روابط با جهان عرب، خود را بخش اصلی و یکی از ارکان محور مقاومت می‌داند و در این راستا در حال حرکت است. عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با سوریه را هم باید بخشی از همین سناریو به حساب آورد.

**عراق و مسأله انسجام داخلی**
عراق ضلع دیگر محور مقاومت است که به نظر می‌رسد بعد از چالش‌های فراوان، با روی کار آمدن محمد شیاع السوداني از نزدیکان نوری مالکی نخست‌وزیر اسبق عراق به دوره ثبات رسیده است. در این دوره عراق به دنبال احیای روابط خارجی خود با کشورهای منطقه و بازسازی ساختاری خود است. در حال حاضر دو پروژه شام جدید و بندر فاو در حال اجرایی شدن است. این کشور اکنون با سه کلان مسأله مواجه است؛

مقاومت است، بلکه کارکرد یک حزب سیاسی را دارد و به همین خاطر نقش تأثیرگذار نیز در معادلات لبنان ایفا می‌کند. جنبش اسلامی حماس در غزه هم از این جنس است یعنی به غیر از کارآیی مقاومت، در برابر اسرائیل وارد معادلات سیاسی در

## سیاست

**عادی‌سازی روابط؛ پیروزی برای سوریه و شکست برای اسرائیل**
مقامات رژیم صهیونیستی در هفته‌های اخیر اذعان کردند که فشردگی حملات و افزایش توان تسلیحاتی در گروه‌های مقاومت منطقه، بویژه در فلسطین اشغالی آنها را در محاصره قرار داده است. به عنوان نمونه، ارزیابی‌های رسمی در اسرائیل نشان می‌دهد که حزب‌الله اکنون از قابلیت‌های نظامی وحشتناکی برخوردار است و موشک‌های آن می‌تواند در صورت وقوع رویارویی، به هر مفری درون اراضی اشغالی اصابت کند. نیروی دریایی حزب‌الله نیز تهدیدی برای کشتی‌های جنگی، سسک‌های گازی، دکل‌های حفاری و تأسیسات حساس و استراتژیک اسرائیل در امتداد سواحل این رژیم به حساب می‌آید.

این عوامل در کنار تغییر تاکتیک‌های مقاومت در کرانه باختری و غزه، سبب ایجاد بازآرندگی در برابر دشمن صهیونیستی شده است. محافل صهیونیستی از احتمال حمله چندجبهه‌ای علیه این رژیم نگران هستند؛ جمله‌ای که در آن همه مواضع حیاتی و حساس اسرائیل در سراسر جغرافیای فلسطین اشغالی توسط ده‌ها هزار موشک دوربرد و کوتاه‌برد و صدها پهپاد، مورد هدف قرار می‌گیرند.

از طرفی به تعبیر تحلیل‌گران، چتگرایی‌ها و تغییرات دیپلماتیک در منطقه مانند احیای روابط عربستان-ایران، بازسازی مناسبات بین سوریه و کشورهای عرب و همچنین تشدید تنش میان برخی کشورهای عرب منطقه مانند اردن با رژیم صهیونیستی، نشان‌دهنده دوری گزیدن کشورهای منطقه از عادی‌سازی روابط با اسرائیل و در نهایت انزوا را می‌خواهد بود.

در نهایت باید گفت که این سفر تنها برای تهران و دمشق مفید نخواهد بود، بلکه کل منطقه نیز از آن بهره خواهد برد؛ زیرا اصل در محور مقاومت، مقابله با تسلط و یکجانبه‌گرایی غرب و رژیم صهیونیستی و خنثی سازی هر گونه تحرک امنیت‌زدا و بی‌ثبات‌کننده است. از این رو، راهبرد بلندمدت تأمین‌کننده اهداف و منافع مقاومت در سوریه، حضور پایدار ایران در این کشور به منظور قوی شدن اتصال بین جبهه‌های مختلف مقاومت است.

نبرد از این جهت نقطه عطفی بود که برای اولین بار دو رویداد مهم در آن صورت گرفت؛

**۱-تشکیل اتاق عملیات متشکل از تمامی ارکان جبهه مقاومت**
**۲- ایجاد وحدت میدان (وحدت السیاحات).**

با وجود اینکه جنگ در غزه رخ داد، اما کرانه باختری شعله‌ور شده بود و نوعی پیوستگی در نبرد علیه اسرائیل ایجاد شد. اکنون بعد از نبرد سیف‌القدس، پیکان محور مقاومت به سمت کرانه باختری است و سرمایه‌گذاری شدیدی روی نوک این پیکان صورت گرفته است. ایران نزاع را از بیرون فلسطین اشغالی و از مرزهای اعراب به داخل فلسطین و آنجا به قلب فلسطین کشانده است. یک اتاق مشترک هم در لبنان وجود دارد، اما ایران با متحدین خود با استقلال کامل رفتار می‌کند، به این صورت که ضمن توانمندسازی آنها، استقلال تصمیم‌گیری را برایشان فراهم می‌کند و آنها می‌توانند مستقلاً برای خود تصمیم بگیرند. به همین خاطر بود که بعد از توافق ایران و عربستان، گروه‌های فلسطینی از این توافق استقبال کردند و آن را عامل مهمی در وحدت اسلامی جهت مبارزه با اسرائیل دانستند.

توافق ایران و عربستان علاوه بر روابط دو کشور، روی مسائل و تحولات منطقه‌ای هم تأثیرگذار است. تحلیل‌ها و گزاره‌های مختلفی در مورد آینده محور مقاومت و کنشگری این محور بعد از توافق، از سوی رسانه‌ها بازنمایی شد که می‌توان این بازنمایی رسانه‌ای را در فرضیات ذیل خلاصه کرد:
-کنشگری محور مقاومت بعد از توافق ایران و عربستان محدود خواهد شد.
-در حال حاضر ایران از اهداف خود در منطقه چشمپوشی کرده است و محور مقاومت نوعی فرورفتگی در خود را تجربه می‌کند.
-محور مقاومت از بعد ایدئولوژیک فاصله گرفته است و عمل‌گرایی را در پیش خواهد گرفت.
-ایران و محور مقاومت به دنبال یک تنفس برای آغاز نبرد جدید هستند.

گروه‌های مقاومت در سرتاسر منطقه خاورمیانه شکل گرفتند؛ گروه‌هایی که به دنبال حفظ موجودیت خود در برابر هر گونه تهاجم اسرائیل هستند و در ادامه ایجاد یک موازنه قدرت مشروع در برابر این رژیم را در دستور کار دارند، پس راهبرد محور مقاومت

**تغییر راهبردی نزاع با اسرائیل از «دولت‌های عربی» به «ملت‌های مسلمان»**

ایران نزاع اسرائیل با اعراب را از نزاع دولت‌های عربی با اسرائیل به نزاع ملت‌های مسلمان با اسرائیل تغییر داد و از دل این ملت‌های مسلمان،